



# چالش‌های هیدروپلیتیک و امنیتی شدن آب در ایران

دکتر مراد کاویانی‌راد\*

## اشاره:

درهم‌تنیدگی پدیده‌هایی مانند گرمایش زمین، دگرگونی الگوی بارش، ناکارآمدی مدیریت منابع، رویکرد کمی محور به توسعه، کاهش بارندگی و افت سطح آب‌های زیرزمینی و کندن بی‌رویه چاه‌های غیرمجاز طی چند دهه اخیر، به بحرانی شدن وضعیت منابع آب کشور انجامیده است به گونه‌ای که بر پایه برخی پیش‌بینی‌ها، منابع آب موجود تنها برای کمتر از ده سال پاسخ‌گویی نیازهای فزاینده کنونی است. طی سال جاری دست کم چندین اعتراض خیابانی در استان‌های محدوده زاگرس و حوضه آبریز مرکزی با محوریت آب رخ داد که واپسین مورد آن تخریب دوباره خط لوله انتقال آب کوه‌رنگ به یزد توسط کشاورزان شهر اژیه اصفهان در آبان ماه جاری بود. واکاوی رخداد‌های یاد شده نشان می‌دهند که بحران آب و چالش‌های هیدروپلیتیک، بنیاد هر گونه سیاست توسعه‌ای و حتی همکاری و تعامل در سیاست خارجی کشورمان خواهد بود و بحران محیط زیست به ویژه مسئله آب از این پس به سمت مدیریت امنیتی پیش خواهد رفت. نوشتار پیش روی به واکاوی زمینه‌های مؤثر در فزاینده‌گی چالش‌های هیدروپلیتیک و امنیتی شدن آب در ایران می‌پردازد.

## مقدمه

شده‌اند. بر بنیاد همین داده‌ها جهان رو به خشکیدن می‌رود. این پدیده از یک سو در مقیاس فروملی به گسترش تنش‌های اجتماعی و در مقیاس ملی و فراملی با افزایش تنش با همسایگان بر سر رودهای مرزی و مشترک انجامیده است. در این میان، کشورهای واقع بر نوار خشک جهان، وضعیت نگران‌کننده‌تری دارند. برای نمونه ایران از کشورهای دیگر این محدوده آسیب‌پذیری بیشتری دارد به گونه‌ای که بیش از هشتاد و پنج درصد منابع آب زیرزمینی آن به پایان رسیده و مصرف آب با توجه به ناکارآمدی الگوی مصرف و افزایش جمعیت، رو به فزونی نهاده است. وضعیتی که نگرانی بالایی درباره مدیریت و امنیت آبی کشور در میان کارگزاران و کارشناسان برانگیخته است به گونه‌ای که جستارهای آب و محیط زیست در قالب برنامه ششم توسعه اولویت راهبردی

مؤلفه‌های «کمبود» و «نیاز» در پیدایش مناسبات قدرت و جهت‌دهی به آنها نقش بنیادی دارند. داده‌های موجود نشان می‌دهند که طی چند دهه گذشته برخاسته از پدیده‌هایی مانند دگرگونی آب و هوا در مقیاس جهانی و تغییر الگوی بارش در مقیاس منطقه‌ای، کشورهای پیش از این، آب و هوای خشک و کم‌بارش داشتند، با کاهش بارش در نتیجه برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی، افت سطح آبخوان‌ها و فرونشست زمین رو به رو



خاصی یافته‌اند. در این میان ماده‌های ۱۲ و ۱۳ به گونه گشوده‌تر به تبیین مسائل و چالش‌های مدیریت منابع آب کشور پرداخته‌اند. دیده‌ها و یافته‌ها گویای آن هستند که نبود آب در میان مردم هنوز جدی گرفته نشده یا فرهنگ‌سازی لازم انجام نشده است به گونه‌ای که در نزد افکار عمومی مسائل زیست محیطی و گفتگو درباره بحران آب نمودی لوکس و تجملی دارند. این وضعیت چه بسا بدین خاطر است که گزندهای زیست محیطی چون یکباره سر بر نمی‌آورند و طی زمان، خود را بر جامعه تحمیل می‌کنند، بیشتر شهروندان ایرانی هنوز ژرفای این رویداد ناگوار را در نیافته‌اند. هرگاه نیز چالشی درباره نبود آب آشامیدنی رخ داده، نهادهای دولتی کوشیده‌اند با هر ابزاری نیاز آبی را برآورده کنند که گاه همراه با کف‌شکنی چاه‌های عمیق بوده است اما چالش بنیادی آنجاست که در بسیاری از جاها دیگر آبی نمانده یا طی چند سال آینده به پایان خواهد رسید. واقعیت آن است که بحران محیط زیست، هنوز در دستور کار درخواست‌ها و مطالبات همگانی قرار نگرفته است. آبان امسال دو مسئله ویرانی‌سازی لوله‌های انتقال آب به یزد توسط کشاورزان اژه اصفهان و سخنان دبیر شورای عالی امنیت ملی درباره آب، نمودهایی از بحران پیش‌گفته بودند که در آینده نیز بسامد بیشتری خواهند یافت.

### پایان آب‌های زیرزمینی

۹۵ درصد منابع آب کشورمان با توجه به خشک و نیمه‌خشک بودن اقلیم آن زیرزمینی است و کمتر از پنج درصد منابع آب بر روی زمین روان است. به دیگر سخن، در صورت برداشت آب رودها امکان تأمین آب آن در بارندگی بعدی وجود دارد اما درباره ۹۵ درصد آب زیرزمینی، مسئله چنین نیست. بدین معنا که در صورت برداشت آب، بارش بعدی نمی‌تواند مقادیر برداشت‌شده را جبران نماید. هزاران سال به درازا کشیده که این منابع تشکیل شوند و باید هزار سال هم شکیبایی داشت تا منابعی که از آن برداشته شده، بازگردد. طی چند دهه اخیر، به علت مدیریت ناکارآمد در بخش کشاورزی، توسعه کمی محور و رشد جمعیت، برداشت از منابع آب افزایش یافته است. بر بنیاد داده‌های موجود، در سال ۵۷، پنجاه هزار حلقه چاه در ایران وجود داشت که امروزه این شمار به ۸۰۰ هزار رسیده است. به باور کارشناسان، ایران

در صدر کشورهای است که بیشترین میزان برداشت منابع آب‌های زیرزمینی تجدیدپذیر را داشته، به گونه‌ای که طی پنج دهه اخیر با کاهش هنگفت اندوخته‌های آب شیرین روبه‌رو بوده است. بر بنیاد برآوردهای موجود بیش از هشتاد و پنج درصد منابع آب شیرین زیرزمینی کشور پایان یافته است و وضعیت منابع آبی در شرایط بحرانی قرار دارد به گونه‌ای که منابع آبی کشور پاسخ‌گوی جمعیت هشتاد میلیونی کنونی نیست. به باور کارشناسان وضعیت بارش و منابع آب کنونی بسنده پنجاه میلیون نفر است. جای درنگ اینجاست که دست‌درازی و چنگ‌اندازی به منابع آب زیرزمینی در قالب کندن چاه‌های غیرمجاز در کشور طی یک و نیم دهه اخیر با شتاب رو به فزونی نهاده است به گونه‌ای که بر پایه برآوردهای انجام‌شده، هم اکنون نیمی از ۸۰۰ هزار حلقه چاه کشور غیرمجاز هستند، هر چند که مجور چاه‌های مجاز، خود به واسطه رویکردهای سیاسی چند سال پیش، جای درنگ و بازنگری دارند. بر بنیاد داده‌های موجود میزان برداشت از منابع زیرزمینی به ۸۵ درصد رسیده که نزدیک به ۹۳ درصد آن در بخش کشاورزی است که در این میان به واسطه ضعف مدیریت و استفاده از روش‌های سنتی آبیاری، نزدیک به ۶۰ درصد آن هدر می‌رود؛ هر چند در برخی استان‌ها به ۷۰ درصد نیز می‌رسد. در نتیجه چندین دهه ناکارآمدی مدیریت در بخش منابع آب و کشاورزی وضعیت به گونه‌ای است که ایران در صدر کشورهای قرار دارد که بیشترین میزان برداشت از



منابع آب زیرزمینی تجدیدپذیر را داشته است. از این رو، کشاورزی در بیشتر نواحی کشور نادرست و ناکارآمد است اما با وجود این، باز هم ادامه دارد و همین امر سبب شده است تا سالانه چهار میلیارد مترمکعب از آب‌های زیرزمینی به سطح زمین پمپاژ و ۹۰ درصد آن با بهره‌وری ناچیز ۳۰ درصدی به مصرف کشاورزی برسد. بهره‌وری که قرار بود تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۴۰ درصد برسد. از سوی دیگر، به واسطه هم‌پوشانی وظایف متولیان و کارگزاران پُرشمار بخش آب، سازمان یا وزارتخانه‌ای وجود ندارد که به طور ویژه به مسئله آب پردازد.

### وضعیت منابع آب در ایران

بر بنیاد داده‌های موجود وسعت ایران ۱/۱ درصد پهنه خشکی‌های کره زمین و ۳/۳۵ درصد گستره قاره آسیاست. میانگین بارش در جهان، ۸۶۵ میلی‌متر و ایران ۲۵۰ میلی‌متر است. به دیگر سخن، میانگین بارندگی‌های ایران کمتر از یک سوم متوسط بارش جهانی است. این در حالی است که میانگین بارندگی ناچیز در کشور نیز پراکنش مناسبی ندارد؛ به گونه‌ای که بارندگی فقط در ۴ درصد از خاک کشور بیش از این میانگین است و ۹۶ درصد باقیمانده میزان بارندگی حتی به ۲۰۰ میلی‌متر هم نمی‌رسد. با این حال، بنیادی‌ترین سنجه تعیین درجه خشکی در یک منطقه رابطه میزان بارش سالانه و توانش تبخیر محیط است. هر اندازه مقدار بارش نسبت به توان تبخیر کمتر باشد، در درجه خشکی آن منطقه بیشتر است.

ایران به جز مناطق کرانه‌ای محدود دریای خزر، در دیگر مناطق توانش تبخیر بسیار فراتر از میزان بارش است. برای نمونه در یزد میانگین بارش سالانه ۶۰ میلی‌متر است، حال آنکه توانش تبخیری محیط منطقه یادشده نزدیک به ۴ متر برآورد شده است. این در حالی است که دست کم طی یک و نیم دهه اخیر میانگین بارش کشور در بیشتر موارد کمتر از ۲۵۰ میلی‌متر بوده است. برای نمونه سال آبی ۹۵-۹۴ که در همسنجی با چند سال گذشته که وضعیت بارش به نسبت مناسب بود، ۲۳۱ میلی‌متر گزارش شد. دیگر آنکه فزاینده‌گی گرمایش جهانی به تفدیدیگی و تبخیر آب بیشتر در کشور انجامیده است. بر بنیاد پیش‌بینی‌های موجود طی سالهای آینده دمای کشور دو درجه افزایش خواهد داشت که به معنی تبخیر بیش از ۲۷ میلیارد متر مکعب از آب‌های کشور است. این میزان، طی چند سال اخیر نزدیک به ۱/۱ درجه افزایش داشته است که به معنای فرابحران منابع آب شیرین در کشور است؛ وضعیتی که با گذشت هر سال و افزایش روند گرمایش جهانی بر ژرفا و گستره فرابحران آب کشور می‌افزاید. این در حالی است که طی همین مدت به واسطه افزایش جمعیت، افزایش شهرنشینی، رویکرد کمی‌محور به توسعه، ناکارآمدی الگوی مصرف به ویژه در بخش کشاورزی، اندوخته‌های آبی کشور در عمل پایان یافته است. برای نمونه میانگین جهانی سرانه مصرف آب ۱۷۰ مترمکعب است که این میزان در ایران به ۵۹۰ مترمکعب می‌رسد. وضعیتی که فرونشینی زمین در نیمی از دشت‌های کشور را در پی داشته است. طی همین بازه زمانی بسیاری از دریاچه‌ها و تالاب‌ها همچون هورالعظیم، ارومیه، بختگان، پریشان، هامون، جازموریان، طشک و مهارلو خشکیده و بزرگ‌ترین رودخانه‌های کشور همچون کارون و زاینده‌رود خاموش شده‌اند. در جهان ۳۰ درصد از جریان آب‌های سطحی حق‌آبه محیط زیست است اما این رقم در ایران ۱۰ درصد است و همین اندازه نیز طی یک دهه گذشته روند کاهنده‌ای یافته است. این در حالی است که کارشناسان بر این باور هستند که خشکیدن تالاب‌ها سالانه ۱۶ میلیارد دلار خسارت به کشور وارد می‌کند. نگرانی آنجاست که بر بنیاد برآوردها، طی سال آبی جاری ۹۶-۹۵ کاهش نزدیک به ۴۷ درصد رخ خواهد داد. در این میان، استان‌های واقع در حوضه آبریز مرکزی به ویژه استان فارس، کرمان، خراسان جنوبی و



اصفهان در وضعیت حاد و فراهانی قرار می‌گیرند. برای نمونه در استان کم‌بارشی مانند اصفهان که میزان بارش در همسجی با بلندمدت کاهش ۳۰ درصدی داشت. وضعیتی که حتی مدیریت آب آشامیدنی را با چالش‌های بنیادی همراه کرده است؛ در این میان تأمین آب کشاورزی برای کشت پاییزه در اصفهان که در آبان ماه به تخریب لوله انتقال آب کوهرنگ به یزد توسط کشاورزان انجامید، وضعیت را وخیم‌تر می‌کند. ابعاد بحران زمانی دریافت می‌شود که بدانیم این استان‌ها طی سال‌های گذشته کاهش بارش و تنش آبی داشتند و میزان تنش‌ها و کشمکش‌ها به خاطر نبود آب رو به فزونی نهاده است. دیگر آنکه همین استان‌ها در نتیجه برداشت بی‌رویه از ذخایر زیرزمینی با بحران فرونشست رو به رو هستند. هشدارهای داخلی زمانی جدی‌تر تلقی می‌شوند که در کنار بررسی‌های آژانس فضایی آمریکا قرار گیرد. این سازمان هشدار داده است که طی سه دهه آینده بحران آب در کشورهای خاورمیانه به بزرگترین چالش تبدیل خواهد شد. با این حال، شماری از کارشناسان، فرهنگ‌سازی در میان کارگزاران کشوری را لازمه برون‌رفت از بحران کنونی و فزاینده آب دانسته‌اند. بدین معنا که اگر در کشور سالانه ۱۰ درصد بر جلوگیری از تبخیر سرمایه‌گذاری شود، میزان سوددهی آن یازده برابر سد کرج خواهد بود.

### تخریب لوله آب انتقالی به یزد

در نیمه آبان ماه گذشته در آریه اصفهان، لوله خط انتقال آب از کوهرنگ به استان یزد برای دومین بار طی چهار سال اخیر شب هنگام توسط کشاورزان شکسته و در نتیجه این اقدام آب آشامیدنی مردم یزد و فولاد مبارکه اصفهان قطع شد. این رویداد نخستین بار نبود، بلکه در سال ۹۱ نیز به دلیل شکستن خط لوله انتقال آب کوهرنگ توسط گروهی از کشاورزان، برای چندین روز آب انتقالی به یزد قطع شد. این بار نیز داستان از آنجا آغاز می‌شود که در استان کم‌بارش اصفهان میزان بارش سال آبی ۹۵-۹۴ در همسجی با بلندمدت، کاهش ۳۰ درصدی داشت. به همین دلیل مدیریت آب آشامیدنی مردم با دشواری همراه شد. این وضعیت سبب شد که دست‌اندرکاران اعلام کنند امسال کشت پاییزه در اصفهان به علت کم‌آبی نخواهیم داشت. این در حالی است که بخشی از آب

کوهرنگ که تأمین‌کننده آب زاینده‌رود و شهر اصفهان است از طریق لوله به استان یزد برده می‌شود. به طور سنتی بخشی از آب زاینده‌رود در پاییز برای کشت پاییزه نواحی شرق اصفهان استفاده می‌شود. بر پایه گزارش‌های موجود قرار بوده است در قالب گشایش تونل سوم کوهرنگ آب به یزد منتقل شود اما بدون اینکه تونلی ساخته شود نزدیک به هفده سال است آب کوهرنگ به یزد انتقال داده شده است. نماینده کشاورزان شهر آریه (اصفهان) بر این باور است «... که مسئولان ۴۰۰ میلیون متر مکعب آب در بهار تا بهار ۹۵ ذخیره کرده بودند تا در پاییز، کشاورزان شرق اصفهان از آن استفاده و کشت پاییزه را آغاز کنند، اما با بی‌مدیریتی مسئولان، این آب که در سد زاینده‌رود ذخیره شده بود، نابود شد و سپس به کشاورزان اعلام کردند که آب نیست و کشت پاییزه نکنید. مردم شرق گرفتار هستند و اگر کشاورزی نکنند درآمدی ندارند، ۳۵۰ هزار نفر در شرق اصفهان کشاورز هستند. حتی خود شهر اصفهان آب صاف کوهرنگ را ندارد و آب آن مخلوط با چاه‌ها است و آب کوهرنگ برای یزد می‌رود. اگر آبی که به یزد می‌رود برای شرب بود مشکلی نبود، اما آب برای صنعت، گلخانه و کشاورزی می‌رود». به یاد داشته باشیم که خشکسالی‌های یک و نیم دهه که آسیب‌های گفتمی متوجه کشاورزان شرق اصفهان کرده است، به همراه وابستگی جمعیت کلان کشاورزان منطقه به آب زاینده‌رود و اعلام خبر نبود آب برای کشت پاییزه، به همراه هشدارهای پیشین کشاورزان درباره تخریب خط لوله انتقال آب به یزد،



## امنیتی شدن آب

هرگاه پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، زیست‌محیطی و نظامی؛ ثبات، امنیت و پایداری جامعه، نظام سیاسی، همبستگی ملی و پیوستگی سرزمینی کشوری را به مخاطره بیفکند، به گونه‌ای که نتوان در قالب قوانین و قواعد موجود آن را مهار و هدایت کرد، پدیده یادشده وارد حوزه امنیتی می‌شود. بدین معنا که آن پدیده در افکار عمومی آنچنان تهدیدی نمود می‌یابد که رفع آن استفاده از هرگونه ابزار زور را توجیه و مشروع می‌نماید. امروزه راهبردها و سیاست‌ها بر این موضوع، هم داستان هستند که مسئله امنیت آب در جنوب غرب آسیا که فلات ایران را نیز پوشش می‌دهد، یکی از چالش‌های بنیادی است که امنیت حکومت‌های این مناطق را برخواهد آشفته. بر بنیاد گزارش‌های موجود، کمبود منابع آبی، خشکسالی‌های پیاپی به همراه ناکارآمدی مدیریت آب، جستار آب را به یکی از مهم‌ترین ابعاد بحران زیست‌محیطی ایران تبدیل کرده است که در آینده نزدیک نیز فزاینده‌گی و گستردگی بیشتری خواهد یافت. همین داده‌ها نشان می‌دهند با توجه به روند کنونی رشد جمعیت، جمعیت ایران تا سال ۲۰۲۵ به ۱۰۵ میلیون نفر خواهد رسید که این رقم به معنای کمبود ده‌ها میلیارد متر مکعب خواهد بود. چنین وضعیتی کشیده شدن آب به حوزه امنیتی در کشورمان را در پی داشته است به گونه‌ای که در یادار شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی طی یک مصاحبه به تاریخ ۱۶ آبان جاری اعلام کرد که «رفع مشکلات موجود در چهار محور آب شرب شهرهای پرجمعیت، آب شرب تهران، آب‌های مرزی و آب‌های زیرزمینی در دستور کار این شورا قرار گرفته است». بر پایه محورهای ارائه‌شده از سوی دبیر شورای عالی امنیت ملی، تقریباً همه کلان‌شهرهای ایران به ویژه تهران در دستور کار قرار دارند. به دیگر سخن، به دلیل نبود آب، بوم‌سازگان‌های کشور دیگر توانش و گنجایش نگهداری این بارگذاری جمعیت را ندارند. شاید این جمله ناخوشایند نماید اما واکاو و وضعیت موجود گویای آن است که از این پس هیدروپلیتیک شالوده سیاست خارجی ایران خواهد بود و ژرفای راهبردی کشورمان از منابع آب برون‌ملی پیروی خواهد کرد. بنا به گفته کارشناسان، گنجایش تهران یا به دیگر سخن توان اکولوژیک این شهر نزدیک به دو میلیون نفر با محدوده معین از دیگر شهرهای پیرامونی است

زمینه روانی لازم برای ویرانی این خط لوله را فراهم کرده بود. بر بنیاد چنین بسترهای اقتصادی و روانی ساعت ۱۰ شب ۱۵ آبان‌ماه سال جاری، شماری از اهالی شهر اژه اصفهان با یک دستگاه تراکتور، لوله یکی از حوضچه‌های لوله انتقالی آب به استان یزد را شکستند. این رخداد باعث شد که ساعت‌ها آب فوران کند. همزمان با تخریب شیر لوله آب انتقالی، دو عدد تیر برق ایستگاه پمپاژ شماره چهار واقع در شهر ورزنه هم توسط آنها شکسته شد که در نتیجه این اقدام برق این ایستگاه قطع شد. این اقدام کشاورزان، قطع آب انتقالی و افت کیفیت آب شهرهای میبد، یزد و مبارکه را در پی داشت. بنا به گفته مسئولان یزدی مخازن شهر و استان یزد نزدیک به ۱۰۰ هزار متر مکعب آب دارند. این میزان ذخیره آب استان برای چهار تا پنج ساعت است و اگر عملیات بازسازی خط انتقال آب بیش از یک روز به دراز می‌کشید، شهر و استان یزد با چالش بنیادی بی‌آبی رو به رو می‌شد. اما آنچه که بیش از همه جلب توجه می‌کند به نوعی تأیید ضمنی این اقدام از سوی مسئولان استان است. زیرا بسترهای روانی و تنگنای معیشت کشاورزان به همراه اعتراض‌های چند روزه آنها، تکرار اقدام سال ۹۱ را نزد مسئولان سیاسی و امنیتی استان پیش‌بینی‌پذیر می‌کرد. تخریب سازه‌های آبی یادشده با قطعی آب، افت کیفیت آب و دعوت از مردم برای تأمین آب در نقاط خاصی از شهرهای میبد و یزد همراه شد. وضعیت یادشده واکنش گسترده مسئولان یزدی و مردم در قالب رسانه‌ها به ویژه رسانه‌های مجازی را در پی داشت.



اما امروز همه این برآوردها و پایش‌ها به هم خورده، به گونه‌ای که جمعیت آن نزدیک به ۱۳ میلیون نفر است و محدوده آن دیگر مشخص نیست. مشکل منابع آب تهران بیش از دیگر کلان‌شهرهاست و باید پروای این مسئله را داشت که در این شهر جز چند سد موجود (لتیان، لار و ماملو)، دیگر گنجایش ساخت سد وجود ندارد و اگر جمعیت تهران بیش از این افزایش یابد، امکان پاسخگویی برای تأمین آب تهران وجود نخواهد داشت. فاجعه فرونشست زمین و ایجاد فروچاله‌های بزرگ در پایتخت و پیرامون آن که در نتیجه برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی رخ داده‌اند، حاکی از وضعیت نامطلوب این مسئله در پایتخت است.

### نتیجه‌گیری

موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که به ذات کم‌بارش است. از این رو، کمبود آب همواره بخشی از سرشت جغرافیایی ایران بوده است. اما طی چند دهه اخیر، به واسطه دگرگونی‌های اقلیمی و کاهش بارش و افزایش برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی بیش از ۸۵ درصد منابع آب کشور پایان یافته است. آب‌های روزمینی نیز رو به کاستی گذارده‌اند، به گونه‌ای که بسیاری از رودهای دائمی، یا فصلی شده‌اند یا دیگر به سان گذشته در همه مسیر رود روان نیستند. بارگذاری بیش از توانش آنها به نابودی بنیادهای بوم‌شناسی به ویژه منابع آب کلان‌شهرها انجامیده است. از این رو، بهترین گزاره برای تبیین وضعیت منابع آب ایران این است که مردم و کارگزاران بپذیرند «دیگر آبی وجود ندارد» و همه واکاوی‌ها و برنامه‌ها بر ایران «فرابحران آب» استوار باشند، زیرا از منابع آب کشور ۹۵ درصد زیرزمینی و بقیه روزمینی است. بر بنیاد آمارهای موجود، افزون بر دگرگونی‌های اقلیمی و کاهش بارش، رویکرد ناکارآمد سنتی به مدیریت آب و آبیاری، نهادینه‌نشدن فرهنگ استفاده درست از آب، بی‌پروایی به هزینه آب در تولید محصولات کشاورزی، پرداخت یارانه آب در تهي شدن بیش از ۸۵ درصد منابع آب زیرزمینی یا همان آبخوان‌ها نقش داشته‌اند که پیامد آنها تهدید امنیت و ثبات درازمدت کشور است به گونه‌ای که بیش از یک سوم کشور دچار فرونشست شده است. پیامدهای اجتماعی آن یک دهه است که آغاز شده است.

در اینجا آنچه بیش از همه جای درنگ دارد، سخنان رئیس شورای عالی امنیت ملی است که اعلام کرد مسئله آب در دستورکار این شورا قرار گرفته است. زیرا هشدار درباره بحران آب را کارشناسان چند دهه پیش تر داده بودند. امروزه دیگر آبی نمانده که رویکردهای سنتی پاسخ‌گو باشند. بر این پایه، دیگر به سان گذشته نمی‌توان منابع اندک موجود را مدیریت کرد. از این رو، آنچه که به کاهش پرت آب در بخش کشاورزی، بخش آشامیدن به ویژه شبکه‌های آب شهری می‌انجامد، باید در اولویت همه برنامه‌های توسعه‌ای و حتی امنیتی کشور قرار گیرد. هر چند دولت کوشیده که در قالب برنامه ششم این «نیاز ناگزیر» را بکنجانند اما وضعیت «ایران فرابحران آب» ژرف‌تر و گسترده‌تر از آن است که بدان پرداخته شده است. از این رو، افزایش تنش‌های اجتماعی آب‌پایه، ناتوانی در فراهم کردن آب مورد نیاز شهرها، افزایش بیکاری برخاسته از کوچ روستاییان به حاشیه شهرها و افزایش ناامنی‌ها، پیامدهای ناگزیر وضعیت «ایران فرابحران آب» خواهد بود این وضعیت و پیامدهای احتمالی آن در امنیتی شدن آب در ایران مؤثر بوده‌اند.

